

پژوهش‌هاک تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

اشتراکات و افتراقات ازدواج موقت با نکاح مسیاری

۱. ابراهیم عزیزی: استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. پست الکترونیک: e.azizi@urmia.ac.ir (نویسنده مسئول)

۲. سید جواد میرمهدی پور*: استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

۳. مسعود علی مولود: کارشناسی ارشد حقوق خانواده، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

چکیده

نیاز بسیار جدی و عمیق عاطفی و جنسی انسان مومن را به طرف ازدواج با جنس مخالف سوق می‌دهد. و مقدس‌ترین بنیان اجتماع بنا نهاد می‌شود. البته ارضا این نیازها به اشکال و انواع مختلف عمری به درازای انسان دارد. هدف این تحقیق بیان اشتراکات و افتراقات ازدواج موقت با نکاح مسیاری بود. نتایج تحقیق حاکی از آن است که فقها اهل سنت با پذیرش و هم سنخ دانستن نکاح مسیاری با ازدواج دائم، شروط و حقوقی مثل نفقه، تقسیم و همزیستی زیر یک سقف را جز ارکان نکاح ندانسته و بدون آن‌ها نیز نکاح را صحیح دانسته و به اسم نکاح مسیاری از آن یاد کرده‌اند. در مذهب شیعه نیز با تعیین زمان و مدت محرمیت و رابطه زوجیت و عدم وجوب نفقه و شرط نبودن هم زیستی شبانه زیر یک سقف را در ازدواج موقت مشروع دانسته‌اند. فقهای اهل سنت با یکسان بودن ازدواج موقت با نکاح مسیاری مخالف هستند. زیرا بنای نکاح مسیاری بر دوام می‌دانند.

واژگان کلیدی: ازدواج، نکاح، موقت، صیغه، مسیاری.

عزیزی، ابراهیم، میرمهدی پور، سید جواد، و علی مولود، مسعود. (۱۴۰۲). اشتراکات و افتراقات ازدواج موقت با نکاح مسیاری. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۵(۲)، ۴۰-۵۲.

© ۱۴۰۲ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.



مطابق اراده تکوینی خدای متعال ازدواج و برقراری رابطه زناشویی راز بقا نسل آدمی است. در صورت ارضا نیازهای آدمی به شکل شرعی و قانونی زمینه هر گونه انحراف‌ها و آسیب‌های جنسی و عاطفی برچیده شده و عفت و پاک‌دامنی و آرامش و عشق و محبت پاک و سالم در جامعه رونق پیدا می‌کند.

ازدواج یکی از این موضوعاتی است که اسلام به آن توجه زیادی دارد و یکی از مسائل مهم زندگی است اساس و بنیان ریشه‌ای در مساله ازدواج مطابق اجماع جمیع فرقه‌های اسلامی بر ازدواج دائم مستقر می‌باشد. و اولویت بی بدیل در ارضا نیازها همین شکل از ازدواج می‌باشد. اما گاهی به دلیل فقدان شرایط لازم برای ازدواج دائم برای برخی از افراد جامعه تمایل به برقراری انواع دیگری از ازدواج مطرح می‌شود. با گسترش فرهنگ غربی در میان مسلمین ازدواج سفید یا هم باشی زوجین بدون عقد و شرایط شرعی در حال گسترش می‌باشد اما برای تعداد زیادی از افراد جامعه که دغدغه‌های دینی دارند پذیرش این نوع از ازدواج‌های غربی که شرعا مجاز دانسته نشده اند؛ با میل و گرایش مذهبی مطابقت نداشته و رغبت به برقراری روابط مشروع دینی غیر از ازدواج دائم به دلیل فقدان شرایط و مقتضیات لازم برای ازدواج دائم مطرح می‌شود. در مذهب شیعه که به جایز دانستن عقد ازدواج موقت مشهور بوده و از این جهت مورد پرسش و بعضا هجمه افراد مختلف از مذاهب و ادیان دیگر بوده مشهور است افراد متدین در چنین موقعیت‌هایی به برقراری ازدواج موقت روی می‌آورند و در مذاهب اهل سنت نیز نکاح بسیار مشهور در بین جوانان یا افرادی از جامعه بوده است. از این جهت این پژوهش بر آن است تا این دو نوع ازدواج را مورد مقایسه قرار داده و اشتراکات و افتراقات آن دو را تبیین نماید.

ماهیت و ارکان ازدواج موقت

نکاح متعه یا ازدواج موقت یا صیغه یا نکاح منقطع عنوانین یکسانی هستند که بر ماهیت واحد اشاره دارند. این عقد واجد تمامی ارکان نکاح دائم به غیر از دائم بودن می‌باشد. (مکارم، ۱۴۲۴، ۵، ۸) و این عقد دارای ایجاب و قبول بوده و بر حلال سازی استمتاع جنسی در مدت مشخص و معین شده توسط زوجین دلالت دارد. وجود مهریه در این عقد نیز از ارکان عقد ذکر شده ولی مقدار و کمیت آن دارای کمینه و بیشینه از طرف شرع نبوده و به اختیار زوجین واگذار شده است. در توارث بین زوجین در این عقد جمهور فقها بر عدم توارث نظر داده اند. برای انعقاد این عقد نیز الفاظ مخصوصی ذکر شده است. و استفاده از ماده تمتع به معنی بهرمندی و لذت بردن از سایر الفاظ عقد نکاح ارجح می‌باشد. و مدت معین در حین ایجاب و قبول باید ذکر گردد. نتیجه این که ارکان این عقد چهار مورد صیغه، محل (هم کیش بودن)، مهریه و مدت از ارکان این عقد می‌باشند. (انصاری، ۱۴۱۵، ۲۰۷ تا ۲۲۵) این عقد با انقضای مدت یا بذل باقی مانده مدت از سوی زوج به پایان می‌رسد. و نیازی به طلاق و صیغه طلاق ندارد.

هر چند که معمولا هدف از ازدواج موقت فرزند آوری نیست ولی اگر از ازدواج موقت فرزندی حاصل آید؛ فرزند متعه دختر باشد یا پسر به پدر و مادرش منسوب می‌شود و همانند سایر فرزندان از والدین خود توارث و تکالیف را دارند. به‌طورکلی زن در ازدواج موقت زوجه‌ای حقیقی است و فرزند او فرزند حقیقی است و فرقی بین ازدواج دائم و موقت از این حیث نیست؛ جز در اینکه توارث میان همسران وجود ندارد و تقسیم اقامت شبانه با همسر برای آن‌ها مقرر نمی‌شود و نفقه او بر شوهرش واجب نیست. ولی از باب مهریه یا احسان پرداخت مخارج زندگی وی اشکال ندارد. و اگر بعد حصول والدین جدا از هم باشند همانند فرزندان طلاق می‌بایست به نحو احسن در تربیت فرزندان و زندگی مسالمت آمیز فرزندان با هر دو والد ترتیبات خاص مبذول دارند. تا فرزند دچار آسیب شدید نشود.

تفاوت‌های جزئی بین نکاح دائم و موقت تفاوت‌هایی در احکام هستند نه در ماهیت. و ماهیت آن‌ها هر اولاً و بالذات بر اباحه استمتاع دلالت دارد. جز اینکه یکی دائمی و دیگری موقت است و این که اولی با تمام شدن و سپری شدن وقت مشخص شده یا بذل مدت باقیمانده تمام می‌شود و دیگری با طلاق یا فسخ پایان می‌پذیرد و وجوب نفقه در ازدواج دائم و عدم وجوب نفقه در ازدواج دائم و وجوب اقامت شبانه حداقل یک شب در چهار شب با همسر در ازدواج دائم و عدم وجوب آن در ازدواج موقت از تفاوت‌های این دو ازدواج می‌باشد. در صورت اقتضای مصالح امکان مخفی کردن ازدواج موقت از انظار عمومی نسبت به ازدواج دائم بیشتر است. این عقد بدون مراسمات و هزینه‌های سنگین دایر می‌گردد.

مشروعیت ازدواج موقت از نظر مذاهب فقهی

وجود ادله محکم قرآنی و روایی در منابع دسته اول فریقین، علمای سنی و شیعه را بر اذعان به وجود ازدواج متعه در عهد رسول اکرم (ص) تسلیم کرده است. از جمله آن دلایل آیه شریفه: **وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۚ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ۚ وَأَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ ۚ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً ۚ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا** (نسا/ ۲۴) و زنان شوهردار (بر شما حرام است؛) مگر آن‌ها را که (از راه اسارت) مالک شده‌اید؛ (زیرا اسارت آن‌ها در حکم طلاق است؛) اینها احکامی است که خداوند بر شما مقرر داشته است. اما زنان دیگر غیر از اینها (که گفته شد)، برای شما حلال است که با اموال خود، آنان را اختیار کنید؛ در حالی که پاکدامن باشید و از زنا، خودداری نمایید. و زنانی را که متعه [ازدواج موقت] می‌کنید، واجب است مهر آن‌ها را بپردازید. و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهر، با یکدیگر توافق کرده‌اید. (بعداً می‌توانید با توافق، آن را کم یا زیاد کنید.) خداوند، دانا و حکیم است. (مکارم، ۱۳۷۳، ۲۴) از این آیه شریفه فقره "فما استمتعتم به منهن فاتوهن اجورهن" محل شاهد می‌باشد. و مراد از آن نکاح متعه است چنانکه خداوند متعال از آن به ازدواج متعه تعبیر کرده است. و با مزد است و با مهریه نیست و دلالت بر جواز متعه دارد چراکه مزد با مهریه تفاوت دارد و پرداخت مزد بعد از استمتاع دلالت بر مهریه نبودن آن دارد زیرا مهریه به موجب عقد مقرر می‌شود پیش از اینکه استتماعی صورت پذیرفته باشد و مزد برای لذت بردن و استمتاع از زن مقرر شد و مهریه بر اساس عقد مقرر شده نه استمتاع و این دلیل جایز بودن متعه است. بر این اساس زنی که متعه شده، زوجه محسوب می‌شود و بدون تردید متعه یکی از مصادیق ازدواج در آیه «**الَا عَلَىٰ ۙ اَزْوَاجِهِمْ**» می‌باشد و هر چند فاقد برخی آثار عقد نکاح دائم است، آثار خاصی بر عقد آن مترتب است.

مرحوم نوری در مستدرک روایتی در تفسیر آیه ما یفتح الله للناس من رحمہ فلا ممسک لها (فاطر، ۲) هر رحمتی را خدا به روی مردم بگشاید، کسی نمی‌تواند جلو آن را بگیرد؛ و هر چه را امساک کند، (مکارم، ۱۳۷۳، ۴۳۵) فرمود از جمله آن‌ها ازدواج موقت می‌باشد. (نوری، ۱۴۰۸، ۱۴، ۴۴۸)

همچنین در روایتی در شرح آیه **وَلَيْسَتَعْفِیَ الدِّینَ لَا یَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ یُعْطِیَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ** (نساء، ۳۳) می‌فرماید نکاح اعم از ازدواج دائم و موقت است. (نوری، ۱۴۰۸، ۱۴، ۴۴۸ و طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۵، ۱۱۷)

دلایل روایی در کتب فریقین متواتر است بر این که اصل این ازدواج توسط رسول خدا (ص) حلال اعلام گشته است. در صحیح مسلم از جابر بن عبدالله روایتی نقل کرده و گفته است ما در زمان رسول خدا (ص) و ابوبکر و عمر متعه داشتیم. اقوال اهل سنت در زمان و کیفیت تحریم آن مختلف است و در ادامه خواهد آمد. در هر یک کتب روایی معتبر شیعه نیز بالای ۴۰ روایت در مشروعیت و احکام ازدواج موقت ذکر کرده است. (حر عاملی، ۲۱، ۱۴۰۹، ۵ تا ۸۰)

ازدواج موقت از دیدگاه امامیه

میان شیعیان دوازده امامی اجماع مصرح بدون کوچکترین اختلافی وجود دارد که ازدواج موقت در زمان نزول قرآن توسط نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله حلال و جایز گشته است و تاکنون نیز حلیت آن ادامه دارد و حرام نگشته است. (فاضل مقداد، ۱۴۰۴، ۳، ۱۱۷ و شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۱۲ و حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۱، ۵ تا ۸۰)

ازدواج موقت از دیدگاه مذاهب اهل سنت

تمامی مذاهب اهل سنت بدون اختلاف معتقدند ازدواج موقت در زمان رسول خدا بوده و توسط ایشان نسخ شده است. و بعد از آن که خداوند متعال آن را حلال کرده بود حرام اعلام شد

ماهیت و ارکان نکاح مسیار

ارکان نکاح مسیار همان نکاح دائم می‌باشد. ایجاد رابطه با صیغه مشتمل بر ایجاب و قبول توسط زوجین در این عقد نیز وجود دارد. اما بنا به شرایط و صلاحدید زوجین برخی از حقوق زن یا مرد در این ازدواج مورد گذشت و صرف نظر می‌شود و شخص آگاهانه و با رضایت خویش از آن حق گذشت می‌کند حقوقی از قبیل میت و همزیستی دائم و شبانه در زیر یک سقف که در اصطلاح فقهی قدیم به آن قسم (تقسیم اقامتهای شبانه مرد در خانه همسران) گفته می‌شد. در برخی موارد بنا به شرایط زوجین (تمکن مالی و اشتغال زن) زن از گرفتن مهریه یا نفقه صرف نظر می‌کند. نسبت به مدت زمان این نوع ازدواج افراد متفاوت هستند. گاهی بنا بر ادامه آن تا پایان عمر می‌شود ولی در اغلب موارد افراد می‌دانند که تداوم این ازدواج تا پایان زندگی امکان ناپذیر خواهد بود ولی به دلیل عدم حلیت ازدواج موقت در اهل سنت بنا را بر ایجاد ازدواج دائم قرار می‌دهند با این نیت که در موعد لازم از طریق طلاق از هم جدا خواهند شد. در برخی موارد نیز نسبت به آینده رابطه بحث و گفتگوی به میان نمی‌آید. و در موقعیت جدایی از طریق صیغه طلاق از هم جدا می‌شوند. در مورد مراعات شرط شهادت دو شاهد نیز تلاش بر مراعات این شرط هست ولی در بیشتر موارد هدف و صلاح اشخاص اقتضا می‌کند که این ازدواج به شکل علنی و آشکار نبوده و یک رابطه خصوصی بین دو نفر باشد. البته این شرایط با ترویج هر چه بیشتر فرهنگ غربی و تحولات اجتماعی به طرف شکل جدید زندگی کم کم افراد از این که روابطشان به شکل خارج از سنت قدیم ازدواج دائم بوده؛ ابایی ندارند.

۳-۲- دلایل و انگیزه‌های گرایش به ازدواج مسیار

دلایل زیادی وجود دارد که خواستار ازدواج مسیار رواج آن بین مسلمانان شده است و برخی از این دلایل به زنان و برخی نیز به مردان برمی‌گردد و برخی نیز به خود جامعه مربوط می‌شود و ما آن‌ها را به اختصار بیان می‌کنیم:

۱. کاهش ازدواج دائم و بالا رفتن سن ازدواج دائم رسمی به دلایل مختلف مالی و شرایط و محدودیتهای سخت در بسیاری از کشورهای عربی و اهل سنت نیز دامن گیر جوان گشته است. به دنبال آن بوجود آمدن دختران مجرد با سن بالا و پدیده پیردختری و پیر پسری از مهم‌ترین دلایلی بود که منجر به بروز و رواج ازدواج مسیار حتی در سنین اوائل جوانی شد.
۲. با افزایش آمار طلاق در کشورهای عربی و عدم ازدواج دائم سنتی مجدد، آمار جمعیت فراوان زنان بیوه که در بسیاری موارد به همراه ابتلا به شرایط ترس و اضطراب روحی و سرکوبی نیازهای عاطفی و جنسی و در برخی موارد مشکلات مالی زنان را به ایجاد روابط جایگزین ازدواج دائم کرده است.

۳. حضور خانم‌ها و آقایان در کشورهای دیگر یا شهری غیر از وطن خود به دلیل تجارت، تحصیل، کار، اشتغال و توریسم و عدم امکان ازدواج دائم سستی در آنجا
۴. تلاش بر حفظ استقلال و آزادی‌ها در برخی مردان و خانمها نسبت به محدودیتهای زندگی دائم از قبیل محل اقامت و حضور در بیرون از منزل و عدم رغبت به محدودیت‌های حضور زن در خانه مرد که گاهی به دلیل نیاز والدین پیر به مراقبت حاصل می‌شود.
۵. گسترش فرهنگ لذت‌گرایی جنسی در تمام دنیا با گسترش شبکه ماهواره‌ای و اینترنتی با امکان دریافت صحنه‌های تحریک‌کننده و تمایل بعضی مردان و زنان به استمتاع فراوان جنسی با هزینه کمتر و گرفتاری کمتر بدون منتهی شدن به تولید نسل و در برخی موارد عدم امکان تعدد زوجات.
۶. در برخی موارد نیز مشکل همسر دائمی در باروری و فرزند آوری و گرایش مرد به آن از طریق ازدواج‌های جایگزین
۷. راحتی برقراری و جدایی چنین ازدواجها نیز عاملی برای گرایش به آن است.
۸. مشکلات مالی و عدم اشتغال و عدم امکان فراهم سازی شرایط مالی ازدواج دائم سستی
۹. ثروت کلان و رفاه بیش از حد برخی از اشخاص که دارای تمکن مالی فراوان دارند و تمایل به بهرمندی بیشتر از لذت جنسی بدون درگیر شدن به مشکلات ازدواج دائم سستی
۱۰. احساس با فرهنگ، به روز، باکلاس و متمدن بودن در چنین شیوه ازدواج و سبک زندگی به دلیل شبیه بودن این رابطه به روابط غربی (عبد الملک، بی تا، ۸۳)
۱۱. عدم مرجعیت خانواده و منفعل بودن والدین در مساله ازدواج جوانان و استقلال جوان در تعیین سبک زندگی و تعیین سرنوشت به دلیل سستی و کم سواد بودن والدین و تحصیلات بالای جوانان و عدم آگاهی والدین بر ارتباطات رسانه‌ای نوین و تسلط جوانان به ارتباطات مجازی اینترنتی از قبیل تلگرام، واتساب، اینستاگرام، و یوتیوب و غیره با امکان دسترسی بالا به اطلاعات و ارتباطات و رایج شدن چنین ارتباطاتی در فضای مجازی.

۳-۳ حکم ازدواج مسیار در مذاهب اهل سنت

یقیناً انتظار وجود فتوا و دیدگاه از فقهای قدیم بی فایده است به دلیل این نوع از ازدواج در اعصار اخیر در اواخر قرن بیست و اوائل قرن بیست و یک حادث شده است. علمای معاصر در حکم ازدواج مسیار بر پنج قول اختلاف دارند:

- قول اول: حرام مطلق دانستن ازدواج مسیار
- قول دوم: جائز دانستن ازدواج مسیار که عده‌ای از اینان آن را مباح و عده‌ای مکروه می‌دانند.
- قول سوم: جائز دانستن ازدواج مسیار و مباح مطلق است.
- قول چهارم: جائز دانستن ازدواج مسیار ولی تحت ضوابط شرعی یا به شرط مراعات ظوابط شرعی
- قول پنجم: توقف در حکم به ازدواج مسیار

۱- عدم جواز نکاح مسیار و حرام دانستن آن و عدم ایجاد محرمیت بین زوجین و حرام و زنا بودن روابط بین زوجین که عقیده شیخ محمد ناصرالدین الالبانی و شیخ عبدالعزیز مسند مشاور وزیر آموزش عالی در پادشاهی عربستان سعودی و واعظ معروف در عربستان می‌باشد البانی

ازدواج مسیاری را دارای ضررهایی بسیار از جمله بر فرزندان می‌داند. و شیخ مسند نیز نکاح مسیاری را توهین به شان زن و تنزل جایگاه وی می‌داند. در صورت حلال شدن آن مردان هوس ران از آن سو استفاده کرده و فسق و فساد به بار آورند. بنابراین این نکاح در اسلام حقیقتی ندارد. و کار مردان ترسو است که نمی‌توانند نکاح دائم داشته باشند. سومین کسی که این نکاح را قبول ندارد. نیز دکتر محمد زحیلی معتقد به بطلان، منع و تحریم عقد مسیاری است و دو دلیل دلایل این زمینه را بیان کرده است

- ۱- شروطی که در این عقد بر گذشتن از حق وجود دارد با مقتضای عقد و اهداف شرع اسلامی در ازدواج منافات دارد مانند آرامش و مودت و رحمت و مراقبت از زن در درجه اول و ثانی از خانواده و تربیت فرزندان و فرزند دار شدن و واجب بودن عدالت میان همسران و نیز عقد ازدواج شامل شروطی مانند گذشتن و صرف نظر کردن زن از حق آمیزش و نفقه و غیره است.
 - ۲- این ازدواج به دلیل پنهان کاری‌هایی که در آن اتفاق می‌افتد؛ دارای مفاسد و عواقب ناپسند فراوانی است که با حکمت ازدواج در زمینه فلسفه ازدواج که مودت و آرامش و پاکی و پاکدامنی است؛ ناسازگار است. و باعث از دست رفتن فرزندان می‌شود.
- شیخ عمر سلیمان الاشقر و شیخ محمد الراوی عضو آکادمی تحقیقات اسلامی الازهر بر این عقیده اند که در رابطه مسیاری هیچ ازدواجی شکل نمی‌گیرد زیرا ازدواج همانا آرامش و مودت و رحمت است و با آن آبرو حفظ می‌شود و حقوق و واجبات مصون می‌مانند و خانواده استحکام می‌یابد. در حالی که مسیاری آن‌ها حاصل نمی‌شوند

شیخ عبدالله جبوری و دکتر علی قره داغی از قائلین به این رای هستند و این گونه استدلال می‌کنند که مسیاری دستاویزی برای فساد و ارتکاب فحشاست زیرا مهر مخفی کاری و پنهان کاری بر آن زده شده و ممکن است افراد فاسد آن را وسیله‌ای برای مقاصد خود قرار دهند و هر چیزی که به حرام منتهی شود حرام است (عتیشی، بی تا، ۲۹)

دکتر عمر سلیمان اشقر ۷ مورد را در مورد عدم جواز آن بیان کرده است:

۱. دو طرف عقد از این ازدواج اهدافی را که قانون‌گذار تعیین کرده از قبیل مودت و رحمت و تربیت فرزندان نیکو و انجام وظایف هر یک از زوجین مدنظر ندارند.
۲. مخالفت با شریعت اسلامی در تربیت فرزندان نیک و عدم انجام وظایفی که بر عهده ی زوجین است و عدم ولایت در این ازدواج و استثمار زن توسط مرد و مشروط بودن عدم انفاق و عدم مسکن و مبیعت و این‌ها شروطی هستند که عقد را باطل می‌کنند.
۳. ولایت مردان بر زنان در این ازدواج وجود ندارد لذا در این ازدواج زن از مرد اطاعت نمی‌کند.
۴. مشروط بودن عدم نفقه و مسکن و مبیعت شروط باطلی هستند و برخی اهل علم بر این عقیده‌اند که این شروط عقد را باطل می‌کند و برخی نیز معتقدند که این شروط باطل هستند و عقد صحیح است و در مورد صحت آن زن می‌تواند آنچه مشروط به اسقاط آن شده را طلب کند و این باعث می‌شود کسانی که می‌خواهند اقدام به این ازدواج کنند از آن دوری کنند چرا که این گمان می‌کنند این شروط باطل می‌شود.
۵. در این ازدواج مرد زن را به استثمار می‌کشد و خود به تمایلات جنسی خود می‌رسد و هدفش جز این نیست بدون اینکه هزینه‌ای پرداخت کرده باشد.

۶. این ازدواج باعث فساد و مفسده می‌شود و از زنا دور نیست چون در آن مهریه اهمال می‌شود و مسئولیت خانواده بر گردن مرد نمی‌افتد و طلاق برایش آسان است و عقد را پنهانی انجام می‌دهد و عقد بدون ولی صورت می‌گیرد و این مسئله باعث می‌شود که این ازدواج به بازیچه‌ای بین دستان این گروه تبدیل شود.

مشروعیت نکاح مسیاری

اکثر علمای اهل سنت به جایز بودن ازدواج مسیاری معتقدند و اکثر علمای عربستان به آن فتوا می‌دهند. مانند شیخ عبدالعزیز ابن باز وقتی در مورد ازدواج مسیاری از او سؤال شد و اینکه مرد می‌تواند دو یا سه یا چهار بار مسیاری کند و زن نزد پدر و مادرش بماند و شوهرش در وقت‌های مختلف پیش او برود و هر دوی آنها برخی حقوق خود را نادیده می‌گیرند: جواب داد اگر عقد دارای شروط معتبر شرعی باشد اشکال ندارد و آن وجود ولی و رضایت زوجین و حضور دو شاهد عادل بر اجرای عقد و سلامت زوجین از موانع بنا به کلیت کلام رسول خدا (ص) که فرمودند "شروطی که استیفای آنها بر شما مقدم و محقق‌تر است همان‌ها هستند که فروش را بر شما حلال می‌کنند (بخاری، بی تا، ۹، ۱۲۴). (و نیز فرموده‌ی ایشان است "مسلمانان بر شروطشان پایبند هستند" (ابو دادود، ۱۳۰۳، ۳۲۴) اگر زن و شوهر با هم توافق کنند که زن نزد خانواده‌اش بماند و یا اینکه قسم او در روز انجام شود نه شب و یا در روزهای مشخصی یا شب‌های معینی باشد اشکالی ندارد و باید ازدواج مخفیانه نباشد و اعلام شود. (تبیین الحقایق، ۲، ۱۱۶) و همچنین شیخ عبدالله بن عبدالرحمن حیرین و شیخ عبدالعزیز بن عبدالله آل شیخ مفتی اعظم عربستان سعودی و رئیس شورای علمای ارشد و رئیس اداره تحقیقات علمی و دعوت و ارشاد وقتی از او در مورد حکم ازدواج مسیاری پرسیده شد گفت اگر ارکان و شروط و اعلام در این ازدواج فراهم شود جایز است تا مورد تهمت و شک و گمان قرار نگیرند و نیز بر هر آنچه باهم تفاهم کرده‌اند باقی بمانند. و همچنین شیخ ابراهیم بن صالح خضیری قاضی دادگاه بزرگ ریاض و شیخ الازهر محمد سعید طنطاوی که وقتی در مورد ازدواج مسیاری پرسیدند و گفتند که ازدواج مسیاری ازدواجی است که با عقد و شاهد و ولی منعقد می‌شود مجمع فقه اسلامی در جده تحت ریاست شیخ عبدالعزیز بن عبدالله آل شیخ مفتی اعظم عربستان سعودی آن را جایز دانسته است. (قرطبی، بی تا، ۵، ۳۸۸ و شافعی، بی تا، ۱۲).

اشتراکات و افتراقات ازدواج موقت با نکاح مسیاری

۱- در هر دو ازدواج برخی از حقوق و تکالیف نسبت به ازدواج دائم بنا به اقتضای ذات عقد و بنا به شرایط ایجابی زوجین برداشته شده است. که در بخش تفاوت‌ها به تفصیل توضیح داده خواهد شد.

۲- رضایت طرفین به ایجاد عقد و انشا الفاظ مخصوص در هر دو ازدواج از ارکان عقد دانسته شده است.

۸- فقه اهل سنت از پذیرش ازدواج موقت ابا دارد و فقه شیعه هم از پذیرش عنوان مسیاری و رسمیت دادن به آن امتنا دارد. به همین دلیل در ایجاد ازدواج بین یک نفر از مذهب شیعه با فردی از اهل سنت مشکل مشروع سازی رابطه با مشکل دو چندان وجود دارد. برای حل این مساله یا باید فرد تابع مذهب اهل سنت را قانع کرد که بر اساس فتوای شیخ محمود شلتوت مبنی بر صحت و کفایت پیروی از مذهب شیعه حداقل در صحت ازدواج موقت قانع کرد و یا با برقراری ازدواج دائم و اسقاط برخی حقوق به مقصد و مقصود خود نایل آیند.

۹- اگر کسی هم زمان دارای همسر موقت و دائم یا همسر دائم و مسیاری داشته باشد میباید اقامت شبانه در هر دو نوع ازدواج حق زوجه دائمی خواهد بود.

۱۰- جوانانی که به هر دلیلی نمی‌توانند ازدواج دائم را بنا نهند در صورت گرایش به ازدواج موقت یا نکاح مسیاری و نکاح‌های مشابه که آینده دائمی و مادام‌العمری برای آن‌ها متصور نیست؛ در مساله عشق و علاقه به همسر و آینده آن دچار سردرگمی و نگرانی هستند. و معمولاً بعد از جدایی از همسر به مشکلات و آسیب‌های جدایی و شکست عشقی دچار شده و دوره افسردگی و غم جدایی را متحمل می‌شوند.

۱۱- در هر جامعه‌ای افراد سودجو و فرصت طلب وجود دارند که از هر فرصتی به دنبال سوء استفاده به نفع هوسهای خود هستند و وجود چنین افرادی باعث زیر سوال رفتن راه قانونی برخی آزادیها و بهرمندی‌های حلال و قانونی نمی‌شود بلکه اولاً افراد جامعه باید مراقبتهای لازم را داشته باشند تا در دام چنین افرادی دچار نشوند و در صورت ارتکاب جرم افراد می‌توانند به محاکم قانونی مراجعه کرده و دادخواهی کنند. ازدواج موقتو ازدوجهای مسیاری و مشابه این قابلیت را برای افراد سودجو دارند. ولی قانون اسلام برای سودجویی و فرصت طلبی تشریح نشده است.

۵- در هر دو نوع ازدواج بعد از جدایی زوجین از همدیگر زن باید عده نگه بدارد و بلافاصله نمی‌تواند ازدواج کند. ولی مرد این ممنوعیت را نداشته و بلافاصله می‌تواند همسر دیگر بگزیند.

۴-۲- افتراقات ازدواج موقت با نکاح مسیاری

۱- تاریخچه ازدواج موقت در شیعه نشان می‌دهد منشا مشروعیت و اصل ازدواج موقت از بطن شریعت و مذهب شیعه و براساس همان حلال سازی پیامبر اکرم (ص) برای شرایط خاص آن ازدواج بوده است. اما در مورد ازدواج مسیاری نیازهای اشباع نشده نسل جدید در عصر حاضر عامل گرایش و تاسیس شکل خاصی از ازدواج مطابق با نیازها و شرایط و امکانات موجود و همسو با ازدواج دایم گشته است. و سپس به دنبال حکم شرعی آن از فقها استفتاء شده است.

۲- در ازدواج موقت مدت و زمان محرمیت و ازدواج از قبل معلوم بوده و در متن عقد ذکر می‌شود. در حالی که در نکاح مسیاری در متن عقد بنا همسو با ازدواج دایم می‌باشد. هر چند که اوضاع و شرایط زوجین از قبیل محدود بودن مدت اقامت در غیر وطن برای تحصیل از بدو تاسیس با بقا و دایمی بودن آن همراه نباشد. علی‌رغم این که مقتضیات موجود علم به عدم امکان دایمی بودن عقد را ایجاب می‌کند ولی تعبد افراد به مذهب باعث ایجاد عقد بر مبنای دوام به امید اجرای صیغه طلاق هنگام جدایی می‌شود.

۳- در ازدواج موقت نفقه زن بر مرد واجب نیست و پرداخت آن حسب توافق طرفین امکان پذیر بوده و یا بنا به احسان از سوی مرد مباح و اختیاری است. در حالی که عدم پرداخت نفقه در نکاح مسیاری منوط به اسقاط حق از سوی زوجه می‌باشد. درست که در عمل هر دو نوع ازدواج بدون نفقه می‌شوند. ولی در ازدواج موقت عدم وجوب نفقه از ذات عقد نشات می‌گیرد ولی در ازدواج مسیاری با شرط زوجین وجوب نفقه از مرد ساقط می‌شود. در موارد مصداقی که جوانان اقدام به ازدواج مسیاری می‌کنند از اصل قرارشان بر عدم وجوب نفقه بر مرد است حتی اگر در عمل دست خالی به ملاقات نرود.

قرضاوی می‌گوید بر کسی پوشیده نیست که ازدواج متعه با مسیاری فرق بسیاری دارد ازدواج متعه محدود به زمان خاصی است و مهریه معین مشخصی دارد و به محض اینکه زمان آن به پایان رسید به‌طور خودبه‌خود از هم جدا می‌شوند و نیاز به طلاق ندارد و مدت جزئی جدایی ناپذیر از عقد است اما ازدواج مسیاری ازدواجی دائمی است که محدود به زمان مشخصی نیست و تنها با طلاق یا خلع یا فسخ از طرف قاضی تمام می‌شود. (قرضاوی، بی تا، ۲۳)

۴- ازدواج موقت نسبت به اقامت شبانه با همسر لایشرط است نه وجوبش و نه عدمش شرط ازدواج موقت نیست و زوجین برحسب امکانات و نیازها و توافقاتی که دارند نسبت به آن تصمیم می‌گیرند. اما در ازدواج مسیاری اصل شرعی بر وجوب مبیت حداقل یک شب در چهار شب براساس قانون ازدواج دایم است و عدم مبیت کلی می‌بایست بر اساس اسقاط زوجه صورت گیرد. که باز در عمل هیچ فرقی با ازدواج موقت نخواهد داشت.

۵- در قوانین کشور ایران فحواى ماده ۱۰۷۵ و ۱۰۷۶ قانون مدنى پذیرش رسمى مشروعیت قانونی این ازدواج است. و بر اساس سایر قوانین ثبت رسمی این ازدواج در دفاتر ثبت ازدواج واجب و لازم نیست. در قوانین کشور عراق حتى اگر اکثریت جمعیت با شیعیان باشد در متن قانون اسمی از ازدواج موقت به میان نیامده است. با این حال در فقه مشترک بین شیعیان ایران و عراق ازدواج موقت امری جایز می‌باشد ولی در مورد ازدواج مسیاری قوانین کشورهای عربی سنی از پذیرش عنوان مسیاری و رسمیت دادن به آن ابراء دارند. حتی اگر همه فقها یا برخی از فقها به حلال بودن آن اذعان داشته باشند.

۶- جدا شدن زوجین از همدیگر در ازدواج موقت با اتمام زمان مقرر در ذات عقد است و یا با بذل مدت باقی مانده توسط زوج انفصال حاصل می‌شود. اما در ازدواج مسیاری از نظر شرعی با صیغه طلاق باید از هم جدا شده و نامحرم شوند.

۷- در ازدواج موقت وجود شاهد و اعلان شرط صحت ازدواج نیست. و اختیار علنی کردن یا مخفی نگه داشتن رابطه با خود زوجین است. ولی در نکاح مسیاری وجود دو شاهد شرط صحت عقد است. و اعلان در برخی فرقه‌ها واجب بود. و اهل آن مذهب در صورت نداشتن قصد اعلان می‌توانند در آن مساله به مذاهب دیگر رجوع کنند. اگر جوانانی قصد مخفی نگه داشتن رابطه خود را داشتند می‌توانند از بین دوستان خود دو نفر را شاهد انتخاب کنند.

۸- در ذات عقد موقت فقدان مساله ارث بری زوجین از همدیگر مشهور بین فقهای شیعه می‌باشد. اما در نکاح مسیاری که منعث از ازدواج دائم است علی القاعده می‌بایست زوجین از همدیگر ارث ببرند. و به دلیل حکم بودن و نه حق دانستن ارث بری در ازدواج دائم اسقاط آن امکان پذیر نخواهد بود. لذا وجود ارث در نکاح مسیاری و عدم ارث در ازدواج موقت از تفاوت‌های مهم است.

۹- تعدد زوجات شرعا در ازدواج موقت محدود به چهار نفر نیست. و زوجه موقت مانعی برای گرفتن چهار زن دائم نمی‌باشد. هر چند که این مجوزها وجود دارد ولی در عمل چنین مردی یافت نمی‌شود. اما بر اساس آن که ازدواج مسیاری از ازدواج دائم منبث می‌باشد علی القاعده محدود کننده مرد در عدد چهار می‌باشد و فرقی بین زوجه مسیاری با زوجه دائم از این حیث یافت نمی‌شود. یعنی شرعا امکان گرفتن بیش از ۴ زوجه مسیاری وجود ندارد. و اگر کسی یک زوجه مسیاری داشته باشد بیش از سه زن دائم نمی‌تواند بگیرد و یا مثلا اگر کسی دو زن مسیاری داشته باشد با بیش از دو زن دائم نمی‌تواند ازدواج دائم کند. در این حالتها با توجه به این که زن مسیاری از حق مبیت خود گذشته است این حق به زوجه دائم می‌رسد.

۱۰- در فقه اهل سنت وجود دو شاهد عادل برای صحت عقد شرعی ازدواج لازم است و لذا در نکاح مسیاری و نکاحهای مشابه آن را شرط می‌کنند و این مساله برای جوانانی که تمایلی به آشکار سازی رابطه شان ندارند مشکل ساز می‌شود. اما در فقه شیعه در ازدواج دائم و موقت شاهد واجب نیست. ولی شاهد گرفتن در صورت صلاحدید زوجین مانعی ندارد و جایز است.

۱۱- در صورت بروز اختلاف در اصل یا اجزا عقد و کشیده شدن کار به محاکم و داوری در صورت نبود شاهد و بینه کار به سوگند منکر و در صورت نکول او به سوگند مدعی منجر می‌شود. و اگر شاهد در کار باشد آنها به محکمه فراخوانده می‌شوند.

۱۲- در ازدواج موقت مشهور بین فقها شیعه عدم توارث بین زوجین است. و صریح قانون ایران توارث بین زوجین را به ازدواج دائم دانسته است. اما در نکاح مسیار که منبعت از نکاح دائم دانسته شده است امکان اسقاط توارث بین زوجین وجود ندارد چرا که توارث از احکام ازدواج است و امکان اسقاط آن وجود ندارد. این مساله برای زوجینی که فقط به دنبال ارضای ناز عاطفی و جنسی در زمان محدود هستند مشکل ساز خواهد بود.

۱۳- یکی از تفاوت‌های ازدواج منقطع با دائم این است که در منقطع جدایی با دو عامل بذل مدت و اتمام زمان مندرج در متن عقد حاصل می‌شود ولی در نکاح مسیار تنها راه جدایی طلاق می‌باشد. این تفاوت اختیار زوجین را برای اتمام رابطه در عقد منقطع بیشتر باز می‌گذارد.

۱۴- در قوانین ایران به موجب ماده ۲۰ قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ ثبت عقد نکاح دائم، فسخ و انفساخ آن، طلاق، رجوع و اعلام بطلان نکاح یا طلاق، الزامی است". لذا ثبت ازدواج دائم در دفاتر ثبت ازدواج لازم بوده و عدم ثبت آن جرم تلقی شده است. بر اساس ماده ۴۹ قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۱۳۹۱: "چنانچه مردی، بدون ثبت در دفاتر رسمی، اقدام به ازدواج دائم نماید و از ثبت آن خودداری کند، علاوه بر اینکه ملزم به ثبت ازدواج می‌شود، به پرداخت جریمه نقدی (از ۸۰ میلیون ریال تا ۱۸۰ میلیون ریال) و حبس (از ۹۱ روز تا ۶ ماه) محکوم خواهد شد." با تصویب این قانون، مجازات پیش بینی شده در ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی در مورد عدم ثبت ازدواج (یک سال حبس) کاهش یافته است. در حالی که ثبت ازدواج منقطع در دفاتر لازم نیست و یک تعاهد بین دو طرفین است.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

فهرست منابع

- ابن تیمیه حرانی، أحمد. (۱۴۱۳). شرح العمدة. ریاض: مکتبه العیبکان.
- ابن تیمیه حرانی، أحمد. (۱۴۱۶). مجموع الفتاوی. مدینه: مجمع الملک فهد.
- ابن حزم، علی بن أحمد. (بی تا). المحلی. بیروت: دار الآفاق الجدید.
- ابن راهویه، إسحاق. (۱۴۱۲). مسند إسحاق بن راهویه. مدینه منوره: مکتب ایمان.
- ابن رشد، محمد. (۱۴۲۵). بدایة المجتهد. قاهره: دار الحدیث.
- ابن زکریا، أحمد الأنصاری. (۱۴۱۸). فتح الوهاب. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن ضویان، إبراهیم. (۱۴۰۹). منار السبیل فی شرح الدلیل (چاپ ۷). مکتب الإسلامیه.
- ابن عابدین، محمد. (۱۴۲۱). حاشیه رد المحتار. بیروت: دار الفکر.
- ابن عاشور، محمد. (۱۹۸۴). التحریر والتنویر. تونس: نشر تونس.
- ابن عبد البر، یوسف. (۱۳۸۷). التمهید. مغرب: وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامیه.

- ابن عثيمين، محمد. (بى تا). شرح الممتع على زاد المستقنع. دار النشر: دار ابن جوزى.
- ابن عربى، أبو بكر. (بى تا). أحكام القرآن. بى جا: دار الفكر للطباعة و نشر.
- ابن قدامه، عبد الرحمن. (بى تا). شرح الكبير. دار الكتب العربى.
- ابن قدامه، عبد الله. (١٤٠٥). المغنى. بيروت: دار الفكر.
- ابن قدامه، عبد الله. (بى تا). الكافي فى فقه ابن حنبل. بيروت: مكتب الإسلامى.
- ابن قيم جوزى، محمد. (١٤١٥). زاد المعاد فى هدى خير العباد. بيروت: مؤسسه رسالت.
- ابن مفلح، إبراهيم. (١٤٠٤). المبدع. رياض: مكتبة المعارف.
- ابن مفلح، إبراهيم. (١٤١٨). المبدع. بيروت: دار الكتب العلمىة.
- ابن ملقن، سراج الدين. (١٤٠٦). تحفة المحتاج. مكة: دار حراء.
- ابن منظور، محمد. (١٤١٤). لسان العرب. بيروت: دار صادر.
- ابن همام سيواسى، محمد. (بى تا). فتح القدير. بى جا: دار الفكر.
- أبو إسحاق، إبراهيم. (بى تا). المذهب فى فقه الإمام الشافعى. بى جا: دارالكتب العلمىة.
- أبى زهره، محمد أحمد. (بى تا). محاضرات فى عقد الزواج وآثاره. بيروت: دار الفكر العربى.
- احمد على الخطيب، حمد عبيد الكبيسى، محمد عباس السامرائى. (بى تا). شرح قانون الأحوال الشخصىة. بى جا: بى تا.
- احمد فراج حسين. (بى تا). أحكام الزواج فى الشريعة الإسلامىة. اسكندريه: دار الجامعە الجديدة.
- اراكى، محمد على. (١٤١٩). كتاب النكاح. قم: نور نگار.
- أطفيش، محمد. (بى تا). شرح النيل وشفاء العليل. جده: مكتبة الارشاد.
- ألبانى، محمد ناصر الدين. (١٤٠٥). إرواء الغليل. بيروت: المكتب الإسلامى.
- امامى، سيد حسن. (١٣٧٧). حقوق مدنى. تهران: كتابفروشى اسلاميه.
- بابرتى، محمد. (بى تا). العناية شرح الهداية. بيروت: دار الفكر.
- بجيرمى، سليمان. (١٤١٥). حاشية بجيرمى. بى جا: دار الفكر.
- بخارى، محمد. (١٤٠١). صحيح البخارى. بيروت: دار الفكر.
- بعلى، محمد بن على. (بى تا). مختصر الفتاوى المصرىة. مطبعة السنة المحمدىة.
- بهوتى، منصور. (١٤٠٢). كشف القناع. بيروت: دار الفكر.
- بيروتى، محمد. (١٤١٨). أسنى المطالب. بيروت: دار الكتب العلمىة.
- بيهقى، احمد. (١٤١٠). سنن الكبرى. بيروت: دار الفكر.
- تحسين بير قدار. (بى تا). أنكحة المنهى عنها فى الشريعة الإسلامىة. دمشق: دار ابن حجر.
- تكرورى، عثمان. (٢٠٠٧). شرح قانون الأحوال الشخصىة. عمان: دار الثقافة للنشر والتوزيع.

جزيري، عبد الرحمن، و غروي، سيد محمد، ياسر مازح. (۱۴۱۹). الفقه على المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت عليهم السلام. بيروت: دار التقلين.

جصاص، أحمد. (۱۴۰۵). أحكام القرآن. بيروت: دار إحياء التراث العربي.

حجي، كردي. (۱۴۲۰). بحوث و فتاوى فقهية معاصرة. بيروت: دار البشائر الاسلامي.

حدادي، أبو بكر. (بي تا). الجوهره النيره. بي جا: المطبعة الخيرية.

حسيني، إبراهيم. (۱۴۰۱). بيان و تعريف. بيروت: دار الكتاب العربي.

حصري، أحمد. (۲۰۱۵). النكاح والقضايا المتعلقة به. المكتبة الأزهرية للتراث.

حصني، أبي بكر. (۱۹۹۴). كفاية الأخبار في حل غاية الإختصار. دمشق: دار الخير.

خطاب رعي، محمد. (۱۴۱۲). مواهب الجليل (چاپ ۳). بيروت: دار الفكر.

حلي، أبو القاسم نجم الدين جعفر بن الحسن. (۱۹۶۴). المختصر النافع في فقه الإمامية. بغداد: المكتبة الأهلية.

حلي، جعفر. (۱۴۰۹). شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام. تهران: استقلال.

خطابي، حمد. (۱۳۵۱). معالم السنن. حلب: المطبعة العلمية.

دارقطني، علي. (۱۴۰۵). علل دارقطني. رياض: دار الطيبة.

ديماطي، أبو بكر. (۱۴۱۸). إغناء الطالبين. بيروت: دار الفكر.

ديماطي، أبو بكر. (بي تا). الدرر البهية في بيان المناهي الشرعية. بي جا: بي تا.

ديلي، أحمد. (بي تا). أحكام الزواج على المذاهب الأربعة. بغداد: بي تا.

زحيلي، وهبه. (بي تا). الأسرة المسلمة في العالم المعاصر. قاهرة: الأزهر.

زحيلي، وهبه. (بي تا). فتاوى معاصرة. بيروت: دار الفكر المعاصر.

زرکشي، محمد. (۱۴۲۱). البحر المحيط في أصول الفقه. بيروت: دار الكتب العلمية.

زرکلي، خيرالدين بن محمود. (۲۰۰۲). الزركلي الدمشقي (چاپ ۱۵). بيروت: دار العلم للملايين.

سبحاني، جعفر. (۱۴۰۴). بحوث في الملل والنحل. بيروت: دار المعرفة.

شربجي، مصطفى الخن و مصطفى. (۱۴۱۳). الفقه المنهجي على مذهب الإمام الشافعي: (أحكام الأسرة وملحقاتها). دمشق: دار القلم.

شربيني، محمد. (۱۳۷۷). مغنى المحتاج. مصر: مصطفى البابي.

شربيني، محمد. (بي تا). الإقناع. بيروت: دار الفكر، مكتب البحوث والدراسات.

شوكاني، محمد. (بي تا). فتح القدير. بي جا: عالم الكتب.

شيرازي، إبراهيم. (بي تا). المهذب. بيروت: دار الفكر.

صاوي، أحمد. (بي تا). حاشية الصاوي. بي جا: دار المعارف.

صنعاني، أبو بكر. (۱۴۰۳). مصنف عبد الرزاق. بيروت: المكتب الإسلامي.

طاهري، حبيب الله. (۱۴۱۸). حقوق مدني (چاپ ۲). قم: دفتر انتشارات اسلامي.

- طبرانى، سليمان. (١٤١٥). المعجم الأوسط. قاهره: دار الحرمين.
- طحاوى، أحمد. (١٤١٧). مختصر اختلاف العلماء. بيروت: دار البشائر الإسلاميه.
- طوسى، محمد. (١٣٩٠). الاستبصار فيما اختلف من الأخبار. تهران: دار الكتب الإسلاميه.
- طوسى، محمد. (بى تا). النهاية فى مجرد الفقه والفتاوى. بيروت: دار الأندلس.
- عدوى، على بن أحمد. (١٤١٢). حاشيه العدوى. بيروت: دار الفكر.
- عسقلانى، أحمد بن حجر. (بى تا). فتح البارى. بيروت: دار المعرفة.
- عظيم آبادى، محمد. (١٤١٥). عون المعبود شرح سنن أبى داود (چاپ ٢). بيروت: دار الكتب العلميه.
- عمرانى، محمد الكدى. (١٤٢٢). فقه الأسرة المسلمة فى المهاجر. بيروت: دار الكتب العلميه.
- عمرانى، يحيى. (١٤٢١). البيان فى مذهب الإمام الشافعى. جده: دار المنهاج.
- عوايش، حسين. (بى تا). الموسوعه الفقهيه الميسره فى فقه الكتاب والسنة المطهره. عمان: المكتبة الإسلاميه.
- عينى، محمود. (١٤٠٨). الفتاوى الكبرى. بيروت: دار الكتب العلميه.
- عينى، محمود. (٢٠٠٧). أحكام الزواج. بيروت: دار الكتب العلميه.
- عينى، محمود. (بى تا). عمده القارى. بيروت: دار إحياء التراث العربى.
- قرافى، أحمد. (١٤١٨). أنوار البروق. بيروت: دار الكتب العلميه.
- قرشى، إسماعيل. (١٤٠١). تفسير ابن كثير. بيروت: دار الفكر.
- قرطبى، محمد. (١٤٢٣). الجامع لأحكام القرآن (تفسير القرطبى). رياض: دار عالم الكتب.
- كركى، على بن حسين. (١٤١٤). جامع المقاصد فى شرح القواعد (چاپ ٢). قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- كلينى، محمد. (١٣٨٨). الأصول الكافى. قم: دار الكتب الإسلاميه.